نام مقاله: فهرست‌نويسان حرفهاي زيادي براي گفتن دارند

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 2 \_ شماره دوم، جلد 1

پديدآور: دكتر رحمت‌الله فتّاحي

مترجم:

- مقدمه:

فهرست‌نويسي همواره يكي از فعاليتهاي اصلي در حوزة كتابداري بوده است. اهميت و نقش فهرست‌نويسان، به عنوان مسؤولان سازماندهي مجموعة كتابخانه‌ها و فراهم‌آورندگان راههاي دسترسي به آنها، نه تنها از زبان خود كتابداران، بلكه از سوي دانش‌پژوهان نيز بارها مطرح شده است. در عين‌حال، با پيشرفت فن‌آوري جديد و تحولات گسترده‌اي كه در فهرست‌سازي و ايجاد راههاي دسترسي به اطلاعات كتاب‌شناختي طي سالهاي اخير پديد آمده، نقش فهرست‌نويسي و فهرست‌نويسان تا اندازه‌اي زير سوال قرار گرفته است. مقاله حاضر تلاش دارد تا برخي از مباحث مهم كنوني و آتي فهرست‌نويسي و راهبردهايي را كه فهرست‌نويسان مي‌توانند از طريق آنها نقش مهم خود را در ايجاد دسترسي به جهان كتابشناختي ادامه دهند، مورد بررسي قرار مي‌دهد.

1- تحولات فهرست‌نويسي در سه دهة گذشته:

طي سه دهة گذشته، فهرست‌نويسان شاهد تغييرات و تحولات قابل‌ملاحظه‌اي در بسياري از جنبه‌هاي فهرست‌نويسي و كنترل كتاب‌شناختي بوده‌اند. اكنون فهرست‌نويسان در محيطي كاملاً متفاوت نسبت به شرايط دهة 1960 كار مي‌كنند. ايجاد نظامهاي خودكار و توسعة فرمتهاي مارك، شبكه‌هاي كتاب‌شناختي، بنگاههاي كتاب‌شناختي و پديدآمدن استانداردهاي نوين مثل استاندارد 50، 39Z موجب بالارفتن شناخت فهرست‌نويسان فراسوي ديدگاهها و فعاليتهاي سنتي آنها در گذشته شده است.

همچنين، افزايش قابل‌توجهي كه در اشكال جديد مواد كتابخانه‌اي، انتشارات و نيز انواع منابع اطلاعاتي و صورتهاي گوناگون آنها پديد آورده است تلاش بيشتري را در ثبت دقيق داده‌هاي كتابشناختي به هنگام فهرست‌نويسي مي‌طلبد. فهرست‌نويسان با مشكل افزايش هزينه‌هاي فهرست‌نويسي و نياز به راهكارهاي ساده‌تر، جلوگيري از دوباره‌كاريها در فهرست‌نويسي و مسائل مربوط به فهرست‌نويسي متمركز و تعاوني (اشتراكي) روبرو هستند. مهمتر آن‌كه، اين خطر نيز وجود دارد كه، با گسترش سريع فن‌آوري نوين اطلاعات ورود متخصّصان ديگري به حوزة كتابخانه‌ها، فهرست‌نويسان به تدريج كنترل خود را در فهرست‌سازي رايانه‌اي از دست بدهند و نتوانند نظر يا مشاركتي در ساختار فهرستهاي رايانه‌اي و نرم‌افزارهاي مربوط داشته باشند. نتيجه آنكه، در صورت ادامه روند كنوني، بتدريج مفاهيم و اصول ارزشمند فهرست‌نويسي كم‌اهميت شمرده شده و سرانجام ناديده گرفته شوند. به موازات اين تحولات، فهرست‌نويسان تلاش كرده‌اند تا با انجام پژوهشهاي مفهومي و تجربي براي اين مسايل چاره‌انديشي كنند. آنها حتي تلاش كرده‌اند تا متناسب با تحولات جديد، واژه‌ها و اصطلاحهاي حرفه خود را تغيير دهند و روزآمد كنند. شواهد اين تحول واژه‌گاني را مي‌توان در نوشته‌ها و گفته‌هاي فهرست‌نويسان (مثلاً در گروههاي بحث الكترونيكي مانند COOPOCAT, USMARC, AUTOCAT) ملاحظه كرد. فهرست‌نويسان همچنين با پرداختن به مسائل نظري تلاش كرده‌اند تا بنيادهاي مفهومي و اصول حرفه خود را ارتقاء بخشند. كنفرانس بين‌المللي «بنيادهاي مفهومي فهرست‌نويسي توصيفي» كه در سال 1987 در دانشگاه كاليفرنيا برگزار شد، شاهدي از اين تلاش مي‌باشد.[1]

2- آينده برپاية گذشته است

با توجه به تحولات روزافزون در فهرست‌نويسي و فهرست‌سازي و تأثير فن‌آوري نوين در اين زمينه، بازانديشي دربارة فهرست‌نويسي امري ضروري به نظر مي‌رسد. براي بازنگري در باب جايگاه فهرست‌نويسي در محيط جديد مي‌توان از زاويه‌هاي گوناگون به اين كار پرداخت. در اين مقاله فرايند كار فهرست‌نويسي در سه مقوله:

1) خلق پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي: يعني فهرست‌نويسي.

2) ذخيره داده‌هاي كتاب‌شناختي: يعني فهرست‌سازي.

3) برونداد داده‌هاي كتاب‌شناختي: يعني بازيابي و نمايش پيشينه‌ها.

مورد بازنگري قرار مي‌گيرد تا تأثير شرايط جديد در هر مرحله بررسي شود. ضروري است تأثير هر يك از تحولات و تغييرات ناشي از فن‌آوري نوين بر هر يك از مراحل خلق، ذخيره و برونداد پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي به اختصار مورد توجه واقع شود. هدف آنست كه مشخص نمائيم آيا اين تحولات موجب كم‌ارزش شدن كار فهرست‌نويسي مي‌شود يا، به‌عكس، جايگاه اين حرفه را در سازمان‌دهي اطلاعات كتاب‌شناختي مورد تأكيد قرار مي‌دهد. تلاش خواهد شد تا در هر يك از سه مرحله، راهبردهاي مناسب براي حل مشكلات كنوني در فهرستهاي رايانه‌اي نيز ارائه شود.

1-3 خلق پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي: در طول سه دهه اخير راهها و روشهاي خلق پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي و آماده كردن آنها براي دسترسي بسيار متحول شده است و انتظار مي‌رود همچنان به تحول خود بويژه در محيط كامپيوتري ادامه دهد. اكنون فهرست‌نويسان روي ميز خود پايانة رايانة ويژه‌اي (Workstation) دارند كه دسترسي آنها را به انواع شبكه‌هاي اطلاعاتي، پايگاههاي اطلاعاتي روي ديسكهاي فشرده (سي‌دي‌رام) و نيز برخي نرم‌افزارها فراهم مي‌سازند. به همين دليل آنها نسبت به گذشته نياز به دانش و مهارت بيشتري در سازماندهي و كنترل كتاب‌شناختي دارند. ايجاد پيشينه‌هاي مارك به طور عام، و نمايه‌سازي داده‌هاي كتاب‌شناختي در آن پيشينه‌ها بطور خاص نياز به تخصص بيشتري نسبت به خلق فهرست‌برگه‌ها در برگه‌دان دارد. در عين حال با گسترش بنگاههاي كتاب‌شناختي (مثل WLNOCLC) نياز به فهرست‌نويسي بنيادي (Original Cataloguing) كاهش يافته است و نسخه‌برداري (Copy cataloging) و فهرست‌نويسي قراردادي موجب كاهش هزينه‌ها شده و درنتيجه اطلاعاتي كتاب‌شناختي مواد جديد سريعتر در اختيار مراجعان قرار مي‌گيرد. افزون بر آن، فهرست‌نويسان با ملحق شدن به گروههاي بحث الكترونيكي در زمينه كار خود در اينترنت توانسته‌اند مشكلات خود را سريع‌تر مطرح كنند و در نظرات حرفه‌اي ديگران شريك شوند و راه‌حلهاي بهتري را براي مشكلات خود تجربه نمايند.

تكنولوژي كامپيوتر همچنين اين امكان را براي ما به وجود آورده است كه ساختار و محتواي پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي را غني‌تر كنيم. از نظر ساختار، پيشينه كتاب‌شناختي الكترونيكي قابل انعطاف است و مي‌تواند فرمت دلخواه را براي نمايه‌سازي، بازيابي و نمايش داده‌هاي كتاب‌شناختي (داده‌هاي فهرست‌نويسي) در اختيار گذارد. از نظر محتوا هم، پيشينه كتاب‌شناختي را مي‌توان با افزودن اطلاعاتي مانند چكيده يا خلاصه اثر، فهرست مندرجات آن و نيز دسترسي به متن كامل اثر (full text) غني كرد. مطالعات و پژوهشهاي مربوط به نيازهاي مراجعان فهرست كتابخانه‌ها نشان داده است كه استفاده‌كنندگان علاقمندي زيادي به افزودن چنين اطلاعاتي ابراز كرده‌‌اند.[2] حتي پيشنهادهايي براي افزودن عنوان مقاله‌هاي مندرج در مجموعه مقاله‌ها (مانند نتايج كنفرانسها، يادواره‌ها و مانند آنها) نيز ابراز شده است.[3] اين چنين پيشنهادها و رهبردها مستلزم آنست كه فهرست‌نويسان دانش خود را نسبت به حوزه كار خويش ارتقاء بخشند و دائماً نسبت به نيازهاي مراجعان يا استفاده‌كنندگان از فهرست واكنش نشان دهند.

بحث ديگري كه در رابطه با ساختار و محتواي پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي مطرح مي‌باشد عبارت است از رعايت يكدستي و جامعيت در شكل و تركيب داده‌ها، اين دو از ملزومات اساسي كنترل كتاب‌شناختي در سطح ملي و بين‌المللي است. توسعه سريع مراكز فهرست‌نويسي اشتراكي و بنگاههاي كتاب‌شناختي و نياز به تبادل پيشينه كتاب‌شناختي ميان كتابخانه‌ها در دو دهه اخير ارزش يكدست‌سازي داده‌هاي كتاب‌شناختي را بيشتر كرده است. فهرست‌نويسان نيز قواعد فهرست‌نويسي مربوط را تدوين كرده‌اند. مثلاً منبع اصلي اطلاعات (صفحه عنوان يا معادل آن) را به منزله منبع موردنظر براي استخراج داده‌هاي يكسان؛ استاندارد كتابنامه‌نويسي توصيفي (ISBD) را براي توصيف يكدست؛ و قواعد توصيف هماهنگ انواع مواد كتابخانه‌اي را ارائه داده‌اند. درواقع استاندارد فهرست‌نويسي توصيفي از سطح يك كتابخانه به سطح همه كتابخانه‌ها، يعني سطح بين‌المللي تحول يافته است. اين امر پيش‌درآمد و حركتي است به سوي ايجاد فهرستهاي جهاني، فهرست‌نويسان بايد خود را براي حركت در اين بعد مجهز سازند.

يكي از عواملي كه ارزش نياز به يكدستي را بيشتر نمايان مي‌كند مفهوم يكپارچگي و جامع‌بودن (integration) نظام كتابخانه است. در يك نظام جامع، ايجاد ارتباط و يكپارچگي ميان بخشهاي مختلف، از جمله بخش «فهرست‌نويسي» و ساير بخشها مثل «سفارشها» يكدستي در داده‌هاي كتاب‌شناختي بسيار اهميت دارد. از اين‌رو، فهرست‌نويسان هنگام فهرست‌نويسي بايد به اين نكته توجه داشته باشند كه پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي تنها براي ساختن فهرست كتابخانه ايجاد نمي‌شوند بلكه حاصل كار آنها در همه بخشهاي كتابخانه مورد استفاده قرار مي‌گيرد. به عبارت ديگر، در يك نظام يكپارچه، براي هر اثر تنها يك پيشينه ساخته شده و آن پيشينه بايد براي ساير بخشها قابل استفاده باشد. اين امر مستلزم آنست كه داده‌هاي بيشتري در پيشينه‌ها ثبت و نمايه‌سازي شوند تا پيشينه‌ها براي هر كاركردي در كتابخانه قابل استفاده باشند. از بعد ديگر، فراگيربودن كاركردهاي پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي تأثيري مستقيم بر هدفها و كاركردهاي فهرست دارد. در مجموع، اين تحولات موجب شده است تا فهرست‌نويسان چارچوب نظري و عملي كار خود را بازتر كنند.

يكي ديگر از مزاياي يكدستي، صرفه‌جويي قابل ملاحظه‌اي است كه از طريق فهرست‌نويسي تعاوني و تبادل پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي ميان مراكز فهرست‌نويسي انجام مي‌گيرد. به موازات افزايش دسترس‌پذيري الكترونيكي به منابع كتاب‌شناختي در شبكه‌ها، آگاهي نسبت به مزاياي خلق و اشتراك اطلاعات كتاب‌شناختي توسط صنفهاي مختلف ناشران، كتاب‌فروشان و كتابخانه‌ها نيز افزايش مي‌يابد.[4] تقريبا همه صنفهايي كه در كشورهاي پيشرفته دست‌اندركار كتاب هستند به توليد، تبادل، ويرايش و دسترسي به داده‌هاي كتاب‌شناختي مي‌پردازند. بدين‌ترتيب، پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي موجود در شبكه‌هاي اطلاع‌رساني بيانگر طيف گسترده‌اي از هدفها، علائق و كاربردها است. يكي از هدفهاي مهم و موردنظر كنترل كتاب‌شناختي در صنفهاي مختلف، چه در زمان حال و چه در آينده، آن است كه از دوباره‌كاري كه هزينه زيادي را بر دوش توليدكنندگان پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي بويژه كتابخانه‌ها مي‌گذارد جلوگيري شود. راهبرد ايده‌ال آن است كه براي هر اثر تنها يك پيشينه كتاب‌شناختي و آنهم يكبار ساخته شود و از آن پس توسط صنف‌هاي گوناگون مورد استفاده و يا تعديل قرار گيرد. فهرست‌نويسان علاقمندان اصلي اين راهبرد به شمار مي‌آيند و بيشتر از ساير صنفها از آن بهره خواهند برد. رونالد هگلر در اين‌باره مي‌گويد:

چه كسي بايد پيشينة مدل را ايجاد كند؟ چه كسي مسؤول رساندن اين پيشينه به كاربران (مصرف‌كنندگان) بالقوة آن است؟ چه شيوه‌اي بهترين راه تبادل اين پيشينه‌ها است؟ چه كسي بايد هزينه‌هاي مربوط را پرداخت كند؟ چنانچه مسؤوليت ساختن پيشينه‌ها ميان سازمانهاي مختلف پراكنده شود چگونه مي‌توان به كنترل كيفي در اين زمينه اقدام كرد؟ چه مسايلي در ساختن پيشينه ايده‌آل بايد مورد توجه قرار گيرد بويژه در زمينه‌هايي كه اين ساخت پيشينه با خدمات كتابخانه و مصلحتهاي مديريتي تناقض پيدا مي‌كند.[5] اميد مي‌رود با در دسترس قرارگرفتن صفحه عنوان الكترونيكي (Electronic title page) كه اكنون به يك واقعيت تبديل شده است، نيازهاي مربوط به كنترل كتاب‌شناختي و فهرست‌نويسي با داده‌هاي كافي و دقيق كه ناشران در مرحله انتشار آثار فراهم مي‌آورند برطرف شود.

روز‌به‌روز اطلاعات كتاب‌شناختي ساخت افراد و نهادهايي غير از كتابخانه‌ها نيز به شبكه‌هاي اطلاع‌رساني افزوده مي‌شود. به نظر مي‌رسد اين امر در آينده روندي فزاينده‌تر داشته باشد. در هر صورت، چون هدف آن نهادها و افراد با يكديگر و نيز با هدف كتابخانه‌ها متفاوت است، پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي ساخته شده توسط غير كتابداران فاقد يكدستي و كارآيي لازم در پاسخ به نيازهاي استفاده‌كنندگان است.

به موازات گسترش سريع اينترنت، فهرست‌نويسي منابع الكترونيكي موجود نيز مركز توجه فهرست‌نويسان قرار گرفته است. نه تنها مؤسسه‌هاي فهرست‌نويسي بلكه نهادهاي مختلف و نيز افراد بطور فزاينده منابع الكترونيكي و يا پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي مربوط را به سايتهاي اينترنت اضافه مي‌كنند. براي مثال، بسياري از ناشران و حتي افراد فهرست انتشارات خود را روي اينترنت گذاشته‌اند. اكنون در مقايسة با گذشته، اطلاعات كتاب‌شناختي از كانالهاي گوناگون در دسترس قرار گرفته است. چنانچه چنين حجم بزرگي از اطلاعات كتاب‌شناختي به شيوه‌اي استاندارد و اصولي فهرست‌نويسي و سازماندهي نشود غيرقابل استفاده خواهد ماند. طرحهاي متعددي كه از سوي كتابخانه كنگره، مركز اُ.سي.ال.سي (OCLC)، كتابخانه بريتانيا و ساير مراكز در زمينه فهرست‌نويسي منابع الكترونيكي موجود در اينترنت در دست انجام است خود گواه اهميت اين امر و بيانگر تلاش فهرست‌نويسان در يافتن راه‌حل مناسب مي‌باشد.

2-3 ذخيره، سازماندهي و تبادل اطلاعات كتاب‌شناختي: پيشرفتهاي مربوط به ذخيره، سازماندهي و تبادل الكترونيكي داده‌هاي كتاب‌شناختي تأثير مهمي در كار فهرست‌نويسي داشته و خواهد داشت. در اين حوزه است كه افراد ديگري مانند: طراحان نظامهاي رايانه‌اي وارد عرصه شده و جاي فهرست‌نويسان را كه تا به‌حال طراحان و سازندگان كتابخانه بوده‌اند مي‌گيرد. بدين‌ترتيب، فهرست‌نويسان كم‌كم كنترل خود را بر فهرست‌سازي از دست داده‌اند و در طراحي فهرست كتابخانه از نظر ساختار، فايلهاي اصلي و جانبي نمايه‌ها و راههاي دسترسي به اطلاعات كتاب‌شناختي نتوانسته‌اند ديدگاههاي خود را اعمال كنند. يك مورد از تأثير منفي اين روند آن است كه برخلاف گذشته كه ساختار همه فهرستها تقريباً يكدست بود، فهرستهاي رايانه‌اي كنوني كاملاً با يكديگر تفاوت دارند. اين امر موجب مي‌شود كه استفاده‌كنندگان نتوانند فهرست و نمايه‌هاي آن را بلافاصله و به راحتي بفهمند. شايد يكي از دلايل اين مساله، نبودن اصول و راهكارهاي لازم در قواعد فهرست‌نويسي در مورد ساختار فهرست و فايلهاي باشد. حتي اشاره‌اي به فرمتهاي مارك نيز در قواعدت فهرست‌نويسي به چشم نمي‌خورد. از اين رو گنجانيدن برخي اصول و رهنمودها در اين مورد در قواعد فهرست‌نويسي و ايجاد هماهنگي ميان فرمتهاي مارك و قواعد فهرست‌نويسي ضروري است. اين كار ضامن كارآيي بيشتر فهرستهاي رايانه‌اي و فهم آسانتر آنها از سوي استفاده‌كنندگان خواهد بود.

در طول سه دهة اخير از تاريخ استفاده از فن‌آوري رايانه‌اي در كتابخانه‌ها، كتابداران اين فرصت را داشته‌اند كه با عناصر اصلي نظامهاي رايانه‌اي و منطق كار آنها آشنا شوند. در عين حال همان‌گونه كه اشاره شد، كتابداران و بويژه فهرست‌نويسان مشاركت فعالي در طراحي فهرستهاي رايانه‌اي نداشتند. اين عدم مشاركت تأثير منفي بر شيوه‌هاي ذخيره، سازماندهي و تبادل داده‌هاي كتاب‌شناختي داشته است. در بسياري از موارد فهرست‌نويسان به منظور هماهنگي كار خود با ساختار فايلها را رايانه به ناچار محتواي برخي فيلدها و شيوه‌ نمايه‌سازي آنها را دستكاري مي‌كنند. درواقع فهرست‌نويسان دنباله‌روي برنامه‌نويسان و طراحان فهرست رايانه‌اي شده‌اند. بسياري از پيامهايي كه به گروههاي مباحثة الكترونيكي مثل AUTOCAD و USMARC و مانند آنها ارسال مي‌شود، گواه اين امر است.

3-3 بازيابي، برونداد و نمايش اطلاعات كتاب‌شناختي: برخلاف فهرستهاي دستي (مثل برگه‌دان)، شيوه نمايش و نظم و تربيت آثار بازيابي شده در فهرستهاي رايانه‌اي معمولاً توسط افراد ديگري غير از كتابداران طراحي مي‌شود. در فهرستهاي رايانه‌اي، هر يك از مراحل ذخيره، بازيابي و نمايش اطلاعات جدا از هم عمل مي‌كنند و مي‌توانند كاملاً متفاوت باشند. در حالي كه در فهرستهاي دستي، فهرست‌نويسان طراح نظم و ترتيب آنها بودند و بازيابي و نمايش اطلاعات بسادگي انجام مي‌گرفت محيط تماس كاربران با فهرستهاي رايانه‌اي پيچيده است و بازيابي اطلاعات در آنها به دشواري صورت مي‌گيرد. در حالي كه برگه‌دان ظاهري ساده و گويا بود، آنچه در فهرستهاي رايانه‌اي وجود دارد بر استفاده‌كنندگان پوشيده است و در برخوردهاي اوليه بسادگي قابل فهم نيست. شايد يكي از دلايل آن است كه طراحان فهرستهاي رايانه‌اي با اصولي كه ريشه دراندوخته‌هاي نظري كتابداري و فهرست‌سازي دارد، بيگانه‌اند و شناخت فلسفي از آنها ندارند.

شيوه‌هايي كه اطلاعات كتاب‌شناختي در فهرستهاي رايانه‌اي به نمايش گذارده مي‌شوند، تحت كنترل قواعد فهرست‌نويسي نيست. براي مثال: نظم و ترتيب نتايج جستجو تابع قواعد الفبايي كردن كه فهرست‌نويسان براي رديف‌كردن مدخلها در برگه‌دان يا فهرستهاي كتابي تدوين كرده‌اند نمي‌باشند. اين مسأله بارها مورد انتقاد فهرست‌نويسان قرار گرفته‌ است. هگلر به اين نكته اشاره مي‌كند كه شكل برونداد (نمايش) اطلاعات كتاب‌شناختي از چارچوب قواعد فهرست‌نويسي خارج شده و از ديدگاه بسياري از افراد به نظر مي‌رسد كه مستقل از قواعد فهرست‌نويسي باشد.[6] مكري الرود برخي از مسايلي را كه در زمينة نمايش اطلاعات كتاب‌شناختي موجب پايين‌آمدن ارزش كار فهرست‌نويسي مي‌شود، برشمرده است.[7]

مسأله جستجوي منابع الكترونيكي موجود در اينترنت مثال خوبي است كه نشان مي‌دهند بازيابي اطلاعات خاص از ميان هزاران منبع ظاهراً مشابه- اما نامربوط- تا چه حد دشوار است. با توجه به رشد سريع وب جهاني (World Aide Web)، كتابداران و به‌ويژه فهرست‌نويسان بايد سازندگان سايتها و صفحات موجود در وب را متقاعد سازند كه راهبرد و اصول فهرست‌نويسي يك نياز اساسي براي حل مشكلات روبه افزايش وب است بلبشوي حاضر در شيوه‌هاي نمايش اطلاعاتي كتاب‌شناسي قابل دسترس در وب كه توسط نهادهايي به جز كتابخانه‌ها ايجاد شده است مثال آشكاري است كه از نياز به قانونمند كردن اين امر در شبكة جهاني اينترنت.

همچنين حجم منابع الكترونيكي و اطلاعات كتاب‌شناختي بموازات پيوستن سازمانها و افراد به شبكه اينترنت و قرارگرفتن فزاينده آثارشان روي شبكه بطور قابل ملاحظه روبه افزايش است. سازماندهي منابع كتابخانه‌هاي ديجيتالي (libraries digital) مستلزم تلاش بيشتري از سوي فهرست‌نويسان براي تدارك راههاي دسترسي بهتر به منابع الكترونيكي است.

3- نتيجه‌گيري: چه بايد كرد؟

بطور كلي مي‌توان، چنين گرفت كه فن‌آوري جديد و محيط الكترونيكي نخواهد توانست نياز به فهرست‌نويسي را ناديده گيرد و نيز نخواهد توانست افراد ديگري را جايگزين فهرست‌نويسان كند. اين امر، به‌ويژه در مورد آثاري كه نياز به فهرست‌نويسي بنيادي دارند، با اهميت است. در عين حال، به منظور حفظ بقاي خود و پايداري حرفه، فهرست‌نويسان ناچار به تجديدنظر در مباحث عمدة حرفة خود هستند. برخي از اين موارد عبارتند از:

1-4 آنها بايد افق ديد و دانش خود را در زمينة تحولات و تغييراتي كه در و دسترسي به اطلاعات در جريان است، بازتر كنند. فهرست‌نويسان بايد تغييرات عمده در نظريه‌ها و راهكارهاي فهرست‌نويسي را مورد توجه قرار دهند. شيوه‌هاي دسترسي به اطلاعات و نيز شيوه‌هاي سازماندهي و بازيابي اطلاعات در اينترنت از مباحث عمده‌اي است كه بايد مدنظر آنها باشد.

2-4 شيوه‌هاي سازماندهي اطلاعات كتاب‌شناختي و راههاي دسترسي به اين اطلاعات در حال تحول تدريجي است. تنها در صورتي ما به عنوان فهرست‌نويس مي‌توانيم دوام داشته باشيم كه بنيادهاي نظري حرفه خود را كه مبناي كار عملي ما است مورد توجه و بازنگري قرار دهيم. ضروري است براي پاره‌اي از پرسشهاي اساسي خود پاسخهايي بيابيم: محدوديتهاي عمدة فهرست‌نويسي سنتي در محيط رايانه‌اي كدامهاست؟ آيا استانداردها و قواعد كنوني فهرست‌نويسي با ساختار سلسله‌مراتبي اطلاعات در محيط الكترونيكي و نيز با پلهاي فرامتني (Hypertext links) كه اكنون كاربرد عام يافته‌اند همخواني و مناسبت دارند؟ آيا به صورتي فهرست‌نويسي مي‌كنيم كه افراد بتوانند براحتي منابع مناسب با نيازهاي خود را بشناسند و بازيابي كنند؟ آيا منابع اطلاعاتي را به شيوه‌اي مفيد و مطلوب توصيف مي‌كنيم؟ آيا پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي كه درست مي‌كنيم مناسب نيازهاي گوناگون افراد مختلف هستند؟ آيا حره ما مباحث عمده‌اي چون ادغام و يكپارچه‌شدن فهرست كتابخانه‌ها را با ابزارهاي كتاب‌شناختي ديگر (مثل فهرست ناشران و كتاب‌فروشان) مورد توجه قرار داده است؟ مديران سازمانها و استفاده‌كنندگان فهرست‌ها از ما انتظار دارند كه راههاي مطلوب، مناسب و كم هزينه دسترسي به اطلاعات را براي آنها فراهم آوريم.

3-4 بيش از هر زمان ديگر، فهرست‌نويسان بايد مزاياي بلندمدت كار خود را به ديگران بشناسانند و تبليغ كنند. لازم است به پژوهشهايي بپردازند كه پيامدهاي ناگوار عدم توجه به اصول و قواعد فهرست‌نويسي را مي‌نماياند. اين امر به آنان كمك مي‌كند تا براي مديران سخت‌گير از استدلال قوي برخوردار شوند و نياز به آموزش فهرست‌نويسان و اختصاص بودجة بيشتر به امور فهرست‌نويسي را به مديران بقبولانند. فهرست‌نويسان بايد اين حقيقت را مورد تأكيد قرار دهند كه سازماندهي و كنترل كتاب‌شناختي اطلاعات بدون اتكاء به اصول و قواعد فهرست‌نويسي امكان‌پذير نيست.

4-4 به جايد تأكيد غيرضروري و زياد روي مواردي چون نقطه‌گذاري در فهرست‌نويسي كه مورد انتقاد بسيار قرار گرفته است، فهرست‌نويسان بايد با افزودن اطلاعات بيشتر و مناسب‌تر به غني‌سازي پيشينه‌هاي كتاب‌شناختي و بالابردن كارآيي آنها در ارائه اطلاعات سودمند بپردازند. با استفاده از فن‌آوري رايانه مي‌توان آثار را به شيوه‌اي بهتر توصيف كرده و مناسب‌ترين راههاي دسترسي به آنها را فراهم كرد. شناخت بهتر آثار و برقراري رابطه‌ها يا پلهاي لازم ميان آثار وابسته يكي از اين راههاست. از اين‌رو، وظيفه فهرست‌نويسي آن است كه اطلاعات موردنياز مراجعان را به شيوه‌اي فراهم سازد كه آنها قادر باشند آن اطلاعات را تجزيه و تحليل كرده، نتيجه‌گيري كنند و درنهايت آن را تفسير نمايند.

5-4 اكنون زمان آن فرار رسيده است كه فهرست‌نويسان به بازشناسي و تقويت پايه‌هاي ارزشي دانش و مهارت خود بپردازند. بدان معني كه مجدداً كنترل تمامي روند ايجاد، ذخيره، سازماندهي و نمايش اطلاعات كتاب‌شناختي در محيط رايانه‌اي را به دست گيرند. آنها بايد بطور فعال در تمام مراحل درونداد، ذخيره و برونداد اطلاعات كتاب‌شناختي مشاركت كنند. فهرست‌نويسان نه تنها بايد مديران سازمانها بلكه همچنين طراحان نظامهاي رايانه‌اي را متقاعد سازند كه فهرست‌نويسي يك كار تخصصي و داراي پايه‌هاي نظري پرسابقه است كه عدم توجه به آن موجب عدم دسترسي مؤثر و آسان به اطلاعات مي‌شود.

سخن آخر آن كه، فهرست‌نويسي فعاليتي فكري و پژوهشي است كه نياز به كتابداراني علاقمند و آموزش‌ديده دارد. فهرست‌نويسي راهبردي قانونمند است و تنها در صورتي مي‌تواند به صورت كامل و مؤثر انجام گيرد كه توسط فهرست‌نويسان خبره و آموزش‌ديده هدايت شود. افراد غير فهرست‌نويس و نظامهاي هوشمند رايانه‌اي نخواهند توانست همچنان به وظيفه خود در سازماندهي و مديريت اطلاعات كتاب‌شناختي ادامه خواهند داد. به اين منظور و براي حفظ بقا، آنها به آموزش روزآمد و مفيد نياز دارند تا همواره خلاقيت و انعطفا‌ف‌پذيري لازم را در اين دنياي متغير فن‌آوري در اختيار داشته باشند. در پايان بي‌مناسبت نيست كه گفته‌اي را از مايكل گرمن ويراستار ارشد قواعد فهرست‌نويس انگلوامريكن و نويسندة بسياري از كتابها و مقاله‌هاي فهرست‌نويسي نقل كنيم:

«فهرست‌نويسي يك هنر علمي است. از اين لحاظ، پيوسته نياز به ذهنهاي كنجكاو و خلاق دارد و خواهان ارزشيابي افراد متفكري است كه همواره راه‌حلهايي را در اين چارچوب ارائه دهند. تغييرات ناشي از اين فرايند را بايد به منزله پاسخي سليم به واقعيتهاي هدفمند قلمداد كرد و نه كج‌انديشيهاي آزاردهنده».[8]

يادداشتها و منابع:

1- Conceptual Foundation of Descriptive Cataloguing. Edited by Elaine Svenonius. New York: Academic Press, 1989.

2- يك نمونه از اين تلاشها عبارت است از: كنفرانس بين‌المللي اصول و قواعد انگلوامريكن (اكتبر 1997: تورنتو، كانادا)

International Conference on the Principles and Future Development of AACR (23-25Octobr, 1997: Toronto, Canada)

نمونة ديگر عبارت است از پايان‌نامة مؤلف با مشخصات زير:

Rahmatollah Fattahi. “The Relevance of Cataloguing Principles to the Online Environment”, PHD Thesis, University of new South Wales, 1997.

نمونة سوم عبارت است از تلاش ايفلا كه سرانجام پس از هفت سال كار گروهي با مشخصات زير انتشار يافته است:

IFLA Study Group on the Functional Requirement of the Bibliographic Records, 1997.

3. Joseph R.Matthews, G.S. Lawrence, and D.K. Ferguson, eds. Using Online Catalogs: A Nationwide Survey, A Report of a Study Sponsored by the Council on Library Resources. New York: Neal-Schuman, 1983: 134.

4. Karen Markey. Subject Searching in Library Catalogs: Before and after the introduction of online catalogs. Dublin, Ohio: Computer Library Center, 1984: 85.

5. «سيمنار پيشينه‌هاي كتابشناسي» كه در سال 1990 در استكهلم برگزار شد يكي از اين موارد است:

Seminar on Bibliographic Record, Prooceedings of the Seminar held in Stakholm, 1990, and Spnsord by the IFLA UBCIM Programme and the IFLA Division of Bibliographic Control, edited by Ross Bourne. London: K.G. Saur, 1992.

نمونة ديگر عبارت است از:

Dempsey, locran. USERS, Requirements of Bibliographic, Librarians. ASLIB Records: Publishers, Booksellers Proceeding, 1990, vol. 42(2): 61-69.

1. Ronald Hagler. The Bibliographic Record and The Information Technology. 2nd. Ed.- Chicago: American Library Association, 1991: 107.

2. 7. Ronald Hagler. The Consequences of Integration: in The Concptual of Descriptine Cataloging. Edited by Elaime Svenonius.- New York: Academic Press, 1989: 212.

3. پيام الكترونيكي مكري الرود CReeElrod<Jelrod@slandnet.comدر تاريخ 4 جولاي 1995 به اين مؤلف و نيز پيام مورخ 16 ژانويه 1996 او به گروه مباحثه AUTAOCAT

4. Michael Gorman. “AACR2: editors Perspective” Library Resources and Technical Services, vol. 33 No2 (1989): 183.

--------------------------------------------------------------------------------

[1]

[2]

[3]

[4]

[5]

[6]

[7]

[8]